

علی اکبر ضیائی

تحلیلی درباره منابع قرامطه

برخی تاریخ نگاران نیز خود به بعضی از مقالات مورخان درباره حرکات باطنی و مخصوصاً قرامطه اشاره کرده و گفته اند که برخی از این منابع با دیگری معارض بوده و حتی قرامطه نیز از درک عقاید خویش از خلال چنین آثاری عاجزند.^(۱)

و آنچه که درک صحیح این حرکات باطنی را برای اهل سنت و حتی طرفداران عادی این حرکات سخت تر می کند، سری بودن این حرکات است. و از طرف دیگر، نویسندگان باطنی برای حفظ عقاید خویش و جلوگیری از هجوم مخالفان و نامحرمان، به سخت نویسی روی می آوردند، و گاهی نویسندگان و شخصیت های باطنی برای فرار از فشارهای مخالفان، از یک جابه جایی دیگر می رفتند و برای اطمینان بیشتر حتی اسم و رسم خویش را نیز تغییر می دادند، و همین امر سبب گردید که تاریخ حرکات باطنی و نظریه پردازان آنها همواره دچار ابهام و گاهی تناقض گردد.

مشکل دیگر آنکه باطنیان از استاد به عنوان پدر و از شاگرد به عنوان فرزند روحانی، یاد می کردند بدین جهت سلسله نسب داعیان باطنی همیشه

پژوهش پیرامون فرق باطنی اسلام کاری بس دشوار و باغموض و پیچیدگی خاصی همراه است، و از آنجا که حرکتهای باطنی چون قرامطه مسیری خلاف حکومت های وقت داشته اند، مورخان و نویسندگانی که مطابق با مذهب حاکم وقایع و حوادث و افکار و اعتقادات دیگر فرق و مذاهب را ارزشیابی می کردند، گاهی سخنانی مغرضانه و بدور از حقیقت درباره اینگونه حرکتهای به ثبت رسانده اند.

و جای تعجب نیست که این حرکات در برخی موارد، دچار قضاوت های غیر منصفانه و هجوم تکفیر و تفسیق این مورخان قرار گرفته باشند.

بنابر این از نظر تاریخی، اعتماد به سخنان این تاریخ نگاران درست نیست، و برای نزدیک شدن به واقعیت، باید بین منابع موجود و مآخذ ویژه این حرکات که صاحبان آنها از دیدگاه خویش به وقایع و اعتقادات مذهبی نگریسته اند مقارنه و مقایسه نمود و از این طریق پرده تعصبات مذهبی را از روی این حرکات کنار زد و باید گاهی صحیح به آنها نگریست.

در پرده ابهام بوده است.^(۲)

قرامطه فرقه‌ای از این فرق باطنی است که در سال ۲۶۴ هجری در میان کشاورزان و کارگران بی‌بضاعت بین‌النهرین پیدا شد* و به احساء رسید و حکومت مستقلی از بغداد در احساء تشکیل داد و مدتی نگذشت که در خراسان و سوریه و یمن نیز گسترش یافت و مشکلی بزرگ برای حکومت‌های وقت پدید آورد.

این حرکت در سال ۲۹۷ هـ به تشکیل حکومت مستقل فاطمیان به دست اسماعیلیان منتهی شد.^(۳) شاید بتوان ادعا کرد که قدیمی‌ترین مأخذ تاریخی اهل سنت در رابطه با قرامطه «تاریخ طبری است»^(۴) و اولین شناخت اهل سنت نسبت به حرکت باطنی قرامطه از طریق این کتاب بوده و اگر در معلومات ارائه شده توسط طبری (م ۳۱۱ هـ) خوب دقت شود، خواهیم دید که وی معلومات زیادی درباره عقاید این فرق و اختلافات بین آنها نداشته و بیش از هر چیز به فعالیت‌های سیاسی آنها اشاره کرده است.

ابو الحسن علی بن اسماعیل اشعری (م ۳۲۱ هـ) پیش از دیگران به روش موضوعی به عقاید دینی حرکات باطنی در کتاب «مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین» پرداخته و در این راستا کتاب وی جزء نخستین منابعی است که در زمینه شناخت عقاید دینی فرق باطنی به دست ما رسیده است. کتاب مذکور در دو جزء و به سال ۱۹۲۰ میلادی در استانبول به چاپ رسیده است.

یکی از مهمترین منابع شناخت ما نسبت به قرامطه، سخنان ابو عبد الله بن رزام (زنده در اوائل قرن چهارم هجری) است.^(۵) وی نخستین مرحله

تاریخ و نهضت قرامطه را به رشته تحریر درآورد، اما کتاب او به دست ما نرسیده است و تنها پاره‌هایی از آن در نوشته‌های ابن ندیم^(۶) به چشم می‌خورد، و شخصی به نام اخومحسن^(۷) نیز از وی نقل قولهایی کرده و در بسیاری از مطالب خویش درباره قرامطه به سخنان او اعتماد کرده است.^(۷) مطالبی که اخومحسن درباره قرامطه نوشته است، قدیمی‌ترین مصدر و مأخذ مفصل در این باره بشمار می‌آید، ولی متأسفانه اثر وی نیز در حال حاضر وجود ندارد^(۸) و مضامین کتاب وی در منابع ذیل آورده شده است:

۱- «الخطط»، تألیف تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی (م ۸۴۵) مؤلف در این کتاب به عقاید قرامطه اشاره کرده است. کتاب مزبور هنوز خطی است.

۲- «المقفی»^۹، تألیف مقریزی که وقایع تاریخی قرامطه در آن ذکر گردیده است.

* اگرچه قول مشهور شروع حرکت قرامطه را ۲۶۴ هجری دانسته است ولی دلیلی موقی بر این قول نیست و دلایلی بروجود این حرکت قبل از آن سال وجود دارد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

نام کامل وی ابو الحسن محمد بن علی بن حسین بن احمد بن اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق است، ولی خبری از کتاب و تاریخ وفات وی در دست نیست. رک: مقریزی، ایفاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین، قاهره، ۱۹۴۸ م، ص ۲۴.

نام کامل آن، المقفی الکبیری تراجم اهل مصر والوافدین علیها است. در حال حاضر ۵ جلد از ۱۶ جلد کتاب به صورت نسخه خطی، یکی در کتابخانه برتوپاشا در استانبول و ۳ جلد در لیدن و یک جلد در پاریس وجود دارد که قسمتی از نسخه برتوپاشا درباره قرامطه توسط سهیل زکار در کتاب اخبار القرامطه، بیروت، ۱۹۷۱ م، ص ۳۹۳-۴۰۹ به چاپ رسیده است.

همین دلیل این دو کتاب مسعودی از منابع اولیه شناخت قرامطه بشمار می آیند.

بعد از این دو کتاب از نظر زمانی کتاب «صلة تاریخ الطبری» نوشته عریب بن سعد قرطبی (م ۳۷۰ هـ) (۱۰) قرار دارد. قرطبی در این کتاب به تکمیل «تاریخ» طبری پرداخته بطوری که حوادث سالهای ۲۹۱ هـ و ۲۹۳ هـ و ۲۹۴ هـ را عیناً از طبری گرفته است، سپس حوادث سالهای بعد از آن تا زمان وفاتش را تکمیل می کند. وی در تاریخ خود شدیداً به فعالیت قرامطه در بحرین حمله کرده است.

از مورخان قرن چهارم هجری که در مورد قرامطه مطلب نوشته اند ثابت بن سنان صائبی (م ۳۶۵ هـ) نوه پزشک مشهور ثابت بن قره است. تاریخ ثابت بن سنان (۱۱) از مهمترین منابع شناخت حرکت قرامطه در بحرین و سوریه و مابین النهرین از آغاز تا پایان آن بشمار می آید و مؤلف بطور مفصل جنگ بین قرامطه و خلیفه فاطمی المعز را بیان کرده است. ثابت بن سنان بیشتر اخبار قرامطه را از طبری اخذ نموده و به تکمیل وقایع قرامطه بعد از وفات طبری پرداخته است.

تاریخ وی در عصر نویسنده نیز شهرت داشته و مسکویه در «تاریخ الامم» و ابن کثیر در «الکامل فی التاریخ» از این کتاب بسیار استفاده کرده اند. برنارد لوئیس ثابت را یکی از مورخان سنی بشمار می آورد، زیرا به عقیده وی فرقه صائبه از نظر اصول اعتقادی با اهل سنت شباهت بسیاری دارد و به همین دلیل مورخان سنی مطالب خویش را از ثابت گرفته اند. (۱۲)

از همعصران ثابت، نویسنده سنی مذهب، ابوالحسن احمد بن عبدالرحمن ملطی (م ۳۷۷ هـ)

مطالب این دو کتاب در کتاب دیگر مقریزی به نام ایقاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء آورده شده که به سال ۱۹۴۸ میلادی در قاهره بچاپ رسیده است.

۳- «نهاية العرب فی فنون الادب»، تألیف احمد بن عبدالوهاب نویری (م ۷۳۲)، مؤلف در جزء اخیر این کتاب با دقت بیشتری به احوال قرامطه اشاره نموده است. البته باید یاد آور شد که عبدالرحمن بدوی جزء اخیر کتاب مذکور را در ضمن کتاب «مذاهب الاسلامیین» به چاپ رسانیده است. (۹) این جزء از کتاب مهمترین مأخذ برای شناخت روشهای تبلیغی قرامطه بشمار می آید که اخو محسن آنها را نقل کرده و نویری نیز از وی گرفته است. لازم به ذکر است که نویری علاوه بر اخو محسن، به اناری چون «کشف الاسرار و هتک الاستار» از ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ هـ) و «الجمع و البیان فی اخبار المغرب و القیروان» از ابو محمد عبدالعزیز بن شداد نیز استناد کرده است.

در این جزء از مراحل مختلف دعوت قرامطه به تفضیل سخن گفته شده است. از نظر زمانی کتابهای «مروج الذهب و معادن الجواهر» و «التنبیه والاشراف» مسعودی (م ۳۴۴ هـ) بعد از کتاب ابن رزام قرار دارند.

مسعودی در این دو کتاب از قرامطه تا هنگام وفات زهر آنها ابوطاهر (م ۳۲۲ هـ) سخن گفته و از سخنان وی چنین برمی آید که او نسبت به دیگر مورخان فردی آگاه به عقیده باطنیان بوده است. مسعودی به روابط بین قرامطه و فاطمیان یمن و شمال آفریقا پی برده و ظاهراً بیشتر معلوماتش در این رابطه را از خود آنان اخذ کرده است. به

در کتاب «التنبیه والرد علی اهل الاهواء و البدع» به رد باطنیه و بویژه قرامطه پرداخته، ولی کمتر از عقائد آنان سخن گفته است، اما با این وجود کتاب ملطی به علت ذکر برخی از مطالب درباره قرامطه از منابع اولی و اساسی این فرقه بشمار می آید.

کتاب «تثبیت دلائل نبوة سیدنا محمد» تألیف قاضی عبدالجبار بن احمد همدانی اسدآبادی معتزلی (م ۱۵۴ هـ) از جمله منابع مهم اهل سنت درباره قرامطه است. این کتاب که تحت عنوان «تثبیت دلائل النبوة» و با تحقیق عبدالکریم عثمان در بیروت به چاپ رسیده، معلومات مهمی درباره اختلاف بین حکومت فاطمی و قرامطه احساء ارائه می دهد و از آنجا که مؤلف خود شاهد این وقایع تاریخی بوده اثر وی از درجه اهمیت بسیاری برخوردار است. در اوائل قرن پنجم هجری به علت وقایعی که در زمان الحاکم بامرالله و ظهور فرقه درزیه- منشعب از اسماعیلیه- اتفاق افتاد، اسماعیلیه به شدت مورد هجوم اهل سنت و مورخان قرار گرفت و قاضی عبدالجبار نیز از این حرکت ضد اسماعیلی در کتاب «تثبیت دلائل النبوة» مستثنی نبود. مؤلف در این کتاب به سخنان ابن رزام نیز استناد کرده است.

کتاب دیگری که در این دوره به چشم می خورد کتاب «کشف الاسرار الباطنیه و اخبار القرامطه» نوشته محمد بن مالک بن ابی الفضائل حمادی یمانی است که به سال ۱۳۵۷ هـ در قاهره در ۴۶ صفحه چاپ شده است. از زندگی وی چیزی دانسته نیست، فقط می دانیم که نویسنده فقیه و مورخ و با حکومت صلیحیان یم (۱۳) معاصر بوده و در اوائل قرن پنجم هجری می زیسته و در ابتداء از حرکت صلیحیان اسماعیلی متأثر بوده، ولی به

دلائلی گمنام کتابی در رد اسماعیلیه نوشته که تاریخ قرامطه در کتاب «سیرة الیهادی الی الحق»^(۱۴) را تکمیل کرده است. از متن کتاب «کشف الاسرار الباطنیه» چنین فهمیده می شود که نویسنده با خلیفه فاطمی المستنصر (۴۲۷-۴۸۷ هـ) معاصر بوده است.

در قرن پنجم هجری کتابهایی درباره فِرَق اسلامی نوشته شد که کتاب «الفرق بین الفرق» تألیف ابو منصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی اشعری (د ۴۲۹ هـ) از جمله آنهاست. ابومنصور به تفصیل تاریخ و عقائد مذاهب شیعه را بیان کرده و در فصل پنجم کتاب به عقائد باطنیان شیعه پرداخته و با کمی تغییرات جزئی بر گفته های ابن رزام تکیه کرده است.^(۱۶)

بعد از وی ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ هـ) در کتاب الملل و النحل به بحث از عقائد اسماعیلیه پرداخت و استناد وی بیشتر به کتابهای اسماعیلیان بوده است. این مأخذ اطلاعات زیادی درباره تاریخ اسماعیلیه به ما نمی دهد و ابن حزم ظاهری (م ۵۹۹ هـ) در کتاب «الفصل فی الملل و الاهواء و النحل» نیز چون شهرستانی بطور اختصار به عقاید قرامطه پرداخته و چیزی بیشتر از شهرستانی بیان نداشته است.

به جز آنچه ذکر شد یکی از مهمترین منابع اهل سنت درباره فرق باطنی کتاب «فضائح الباطنیه» یا «المستظهری» از ابوحامد محمد بن غزالی (م ۵۰۵ هـ) است. غزالی با دیدگاه فلسفی خویش به فرق باطنی هجوم برده و در مقابل اینگونه حرکات توسل به سنت رسول الله (ص) را به عنوان جانشین چنین افکاری مطرح کرده است و اگر خصومت غزالی با حرکات باطنی را از نظر دور

نداشته باشیم اثر وی از اهمیت بسزایی در شناخت این حرکات بشمار می‌آید.

و احتمالاً همان است که خطیب بغدادی^(۱۸) در تاریخش از او نام برده، ولی چیزی از زندگانی وی



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی ایران

مشهور خود را تحت عنوان «المنتظم فی تاریخ الملوک والامم» به رشته تحریر درآورد و شخصی به نام محمد صباغ قسمتی از کتاب را که درباره قرامطه بود در سال ۱۹۶۵ و بار دیگر در سال ۱۹۶۸م در بیروت به چاپ رساند. ابن جوزی در این کتاب بیشتر از هر چیز به کتاب فضائل امامان و غزالی استناد کرده و جزو مشهور

هجری می‌زیسته است.

۲- ابو محمد عبدالله بن حسین قطربلی ومحمد بن ابی الازهر (م ۳۳۵هـ) که کتابی در تاریخ نگاشته‌اند.

۳- ابو عبدالله محمد بن داود بن جراح (م ۲۹۶هـ)* عموی علی بن عیسی وزیر مشهور عباسی که کتابی تحت عنوان اخبار القرامطه

۶- ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله، معروف به ابن عساكر صاحب «تاریخ دمشق» (م ۵۷۱ هـ) ۷- ثابت بن سنان که درباره آن سخن گفته شد.

از دیگر منابع مهم اهل سنت در این باره، کتاب «المسجد المسبوك فیمن ولی الیمن من الملوک»^۹ نوشته علی بن حسن خزر جی (م ۸۱۲ هـ) است. وی که از مورخان مشهور یمن بشمار می آید در فصلی از این کتاب به شرح حال قرامطه در یمن پرداخته است.

آثار شیعه اثناعشری، مصادر مهمی در شناخت حرکت قرامطه بشمار می آیند و آنان قبل از اهل سنت به تدوین کتب فرق اسلامی همت گماشتند و اگر ابوالحسن اشعری (م ۳۲۱ هـ) در اوائل قرن چهارم به تألیف کتاب خود «مقالات الاسلامیین» پرداخت، فرقه شناس شیعی سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ هـ) در این امر از وی سبقت جسته و کتاب «المقالات والفرق»^(۲۲) وی از مهمترین منابع شناخت فرق اسلامی بشمار می آید. معلوماتی که سعد درباره قرامطه و عقائد آنان ارائه می دهد از نظر وثاقت و اهمیت برتر از تاریخ طبری است، زیرا مؤلف خود شاهد تشکیل این حرکت و احداث و اخبار آن بوده است، ولی گفتار وی درباره تاریخ قرامطه بسیار کوتاه و مختصر است.^{*}

بعد از وی ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (م ۳۱۰ هـ) معاصر با طبری در کتاب «فرق الشیعه» مطالبی درباره اسماعیلیه و کیفیت تشکیل آن سخن گفته است. این کتاب که به سال ۱۹۳۱ میلادی در استانبول چاپ شد از منابع مهم

شناخت فرق شیعه و تاریخ مختصر آنها بشمار می آید.

رجال شناسان شیعه چون ابو عمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (م ۳۴۰ هـ)^{۱۰} و شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ)^(۲۳) و منتجب الدین رازی (قرن ششم هجری) و ابن شهر آشوب مازندرانی (د ۵۸۸ هـ)^(۲۴) به برخی از شیعیان غالی و گاهی نیز در ضمن شرح زندگانی و آثار نویسندگان شیعی اثناعشری به آثار آنان در رد اسماعیلیه و قرامطه اشاره کرده اند که از جمله آنان ابو محمد فضل بن شاذان بن خلیل نیشابوری (م ۲۶۰ هـ) است که کتابی تحت عنوان «الرد علی الباطنیة والقرامطة» دارد^(۲۵) تاریخ وفات ابن شاذان گواه بر این است که حرکت قرامطه قبل از قول مشهور یعنی سال ۲۶۴ هجری وجود داشته است. بعد از ابن شاذان دانشمندان شیعی چون ثقیلاسلام کلینی (م ۳۲۹ هـ) و ابوالحسن علی بن ابی سهل حاتم بن ابی حاتم قزوینی^(۲۶) (زنده به سال ۳۵۰ هـ) آثاری تحت عنوان «الرد علی القرامطة»

این فصل از کتاب در اخبار القرامطه، تحقیق سهیل زکار، ص ۴۱۳-۴۳۱ به چاپ رسیده است که از اصل کتاب المسجد دو نسخه خطی در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء و حرم شریف مکه وجود دارد.

بالبته باید توجه داشت که قبل از سعد بن عبد الله نویسندگان شیعی دیگری نیز بودند که به شرح احوال قرامطه پرداختند، ولی اثری از آثار آنان باقی نمانده است.

نام کتاب وی معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة واسماء المصنفین است که تممة کتاب الفهرست از شیخ طوسی به شمار می آید. این کتاب در بیروت توسط سید محمد صادق آل بحر العلوم به چاپ رسیده است

اثر وی در فهرست شیخ منتجب الدین رازی، ص ۶۹، تحت عنوان جوابات القرامطه آمده است، همچنین رجوع شود به: اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۵۵.

ابن ندیم می‌گوید: کتب اسماعیلیه در عصر خودش یعنی حدود سال ۳۷۷ هجری بسیار کم و ناپیدا شد، بطوری که کسی به آن کتابها دست نیافت. وی در فصلی تحت عنوان «اسماء المصنفین لکتب الاسماعیلیه واسماء الکتب»^(۲۶) بین قرامطه و اسماعیلیه تفاوتی قائل نشده است.

یکی از مستشرقان به نام ایوانف به نسخه‌ای نایاب تحت عنوان «التواریخ والملل» در کتابخانه آستانه اشاره کرده و آن را فهرستی از آثار اسماعیلی دانسته است.^(۲۷) این کتاب در سال ۵۵۲ هجری توسط حجت الاسلام محمد بن محمد غزالی نوشته شده که ظاهراً مؤلف از نوادگان فیلسوف بزرگ غزالی است.

مؤلف در این کتاب در صد صفحه عناوین کتابهای اسماعیلیه و نیز مؤلفان حقیقی آنها را آورده است.

ابوالقاسم ابن حوقل نصیبی (م ۳۸۰ هجری) در کتاب «صورة الارض»^(۲۸) خود حرکت قرامطیه بحرین را تشریح و مناطق مختلف اسماعیلیان را شناسایی کرده است. از آنجایی که ابن حوقل خود بازرگان و از داعیان اسماعیلی بوده و آن مناطق را دیده است کتاب وی از اهمیت زیادی برخوردار است. این کتاب «در دو جزء به سال ۱۹۳۸ میلادی در لیدن بچاپ رسیده است.

در پایان لازم به ذکر است: در این مقاله با منابعی اساسی درباره حرکت قرامطه از دیدگاههای اهل سنت، شیعه اثنا عشری و شیعه زیدی آشنا شدیم و بحث درباره قرامطه از نظر اسماعیلیان و منابع آن را به مقالهای دیگر موکول می‌نماییم.

نگاشتند^(۲۹) که فعلاً اثری از آنها در دست نیست. کتاب «سیره الهادی الی الحق یحیی بن الحسین» تألیف علی بن محمد بن عبید الله عباسی علوی (ز ۲۸۵ هـ) و از اولین کسانی است که به زیدیه در یمن گرویدند، این کتاب از مهمترین منابع شناخت تاریخ قرامطه در یمن بشمار می‌آید، که توسط سهیل زکار به سال ۱۹۷۲ میلادی در بیروت و نیز در کتاب اخبار القرامطه به چاپ رسیده است.

الهادی الی الحق دز سال ۲۸۰ هجری به یمن رفت و به دعوت زیدیه پرداخت و در مدت کمی صنعا را مرکز فعالیت خویش قرارداد و در این مدت با قرامطه نجران و نیز علی بن فضل و منصور یمن از قرامطیان به منازعه برخاست. از آنجایی که نویسنده کتاب از پسر عمویان الهادی الی الحق و شاهد حوادث آن عصر بوده است مطالب وی درباره قرامطه از اهمیت ویزهای برخوردار است.

با این وجود نباید از منابع اسماعیلیان و قرامطه غافل بود، اما آنچه از مؤلفان قرامطی به دست ما رسیده بسیار کم است و دلیلش از بین رفتن آن کتب در هنگام شکست قرامطه و یا مخفی ماندن بعضی از آنها در کتابخانههای ناشناخته و سرتی اسماعیلیان بوده است و از طرفی دیگر قرامطه همواره سعی می‌کردند آثار خویش را از انظار مردم دور نگه‌دارند و زمانی که می‌خواستند مطلبی را از قول کسی نقل کنند از کلمه «قیل» بدون ذکر نام گوینده و نام کتاب استفاده می‌کردند.

□ یادداشتها

- ۱۶- دو نسخه خطی از این کتاب در موزه بریتانیا و کتابخانه گوته در آلمان وجود دارد و فصل قرامطه آن در کتاب اخبارالقرامطه، ص ۲۷۱-۲۷۲ به چاپ رسیده است.
- ۱۷- ابن عدیم، بغیةالطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، دمشق، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۹۲۷-۹۴۶
- ۱۸- تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۹۳.
- ۱۹- همان مصدر، ج ۱۴، ص ۶۵.
- ۲۰- مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۵، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲۷-۴۳۲، المنتظم، ج ۶، ص ۳۵۹، البداية والنهاية، ج ۱۱، ص ۲۱۹-۲۲۰.
- ۲۱- کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۰۵.
- ۲۲- المقالات والفرق، تحقیق محمد جواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش، ص ۸۳-۸۶.
- ۲۳- رک: به پاورقی ۱.
- ۲۴- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۳.
- ۲۵- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۰، ص ۲۱۷-۲۱۸.
- ۲۶- الفهرست، ص ۲۶۸.
27. Ivanow, Ismaili Literature, A Bibliographical survey, Tehran, 1963, P. 14.
- ۲۸- صورة الارض، چاپ لیدن، ۱۹۳۸م، در ۲ جزء.
1. L. Massignon, «Karmatians», Encyclopaedia of Islam, (Leyden, 1927), Vol. II, P. 769.
2. Bernard Lewis, The Origins of Ismailism, Cambridge, 1940, P.18.
3. Ency. Vol. II, P.767.
- ۴- تاریخ الرسل والملوک، چاپ لیدن، ج ۳.
5. Origins, P.6.
- ۶- الفهرست، ص ۱۸۶.
7. Lewis, P.7.
- ۸- عبدالرحمن بدوی، مذاهبالاسلامیین، بیروت، ۱۹۷۳م، ج ۲، ۱۸۴.
- ۹- بدوی، ج ۲، ص ۱۰۴، اسلوب الدعوة، ص ۱۵۲-۱۸۱ و نیز رک: اخبارالقرامطه، جمع و تحقیق سهیل زکار، ص ۳۰۳-۳۲۱.
- ۱۰- رک: جزء ۸ از چاپ قاهره، ۱۳۰۲هـ.
- ۱۱- ثابت بن سنان، تاریخ اخبارالقرامطه، که در ضمن کتاب اخبارالقرامطه بیروت، ۱۹۷۱م به چاپ رسیده است.
12. Lewis, PP.5-6.
- ۱۳- درباره حکومت صلیحیان یمن رجوع شود به: الصلیحیون والحركة الفاطمية باليمن، تألیف حسین بن فضل الله همدانی، قاهره، ۱۹۵۵م.
- ۱۴- رک: اخبارالقرامطه، ص ۸۷-۱۱۰.
15. Lewis, P. 11.